



هفته نامه

رهائی

سال اول شماره ۱۳
سه شنبه ۶ آذرماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

تحریم دفراندوم
یک سند بیانگر
سخنی با مجاهدین خلق
مداخله نظامی آمریکا
در حاشیه رویدادها
امام جمعه و امام امت

و ...

تحریم رفراندوم

تنها مجلس موسسان منتخب مستقیم مردم میتواند قوانینی مردمی ارائه دهد

رفراندوم برای اظهار نظر در مورد تصویب مجلس خبرگان در شرف انجام است. صحنه - سازبها و ما نورهای سیاسی برای تهیج و فریب مردم به اوج خود رسیده است. رژیم میکوشد که با یک شگرد این معجون زهرآگین را بجای نوشیدار و بیخورد مردم دهد. وظیفه نیروهای مترقی جامعه است که مواضع خود را صریحا در این موزدبیا نادارند و ناخواسته در ادامه گمراهی بخشی از مردم شرکت نکنند.

ما در مورد مجلس خبرگان، مطالب متعددی در نشریه رهاشی و در اعلامیه های خود منتشر کرده ایم. قبل از انتخابات این مجلس، با شناخت از ماهیت دولت و عملکرد آن، با شناخت از ماهیت "رهبری" و خواسته های آن، و درست در زمانی که بخشی از چپ بعثت نوسانات و تردیدها و فرصت طلبی ها از موضع گیری صریح طفره میبرد، و یا حتی بدتر از این، تحت بهانه های خود فریبانه در صحنه سازی رژیم شرکت میکرد، شرکت در انتخابات را تحریم کرده و نوشتیم:

"رژیم به تقلب مجلس خبرگان را بجای مجلس مؤسسان نشانده است. منطقی ترین و درست ترین کار این است که چنین بازی را کارانه ای تحریم شود و اجرای نقشهای مختلف این سناریو به مشتاقین و طالبین آن واگذار شود، بدینصورت اساسا این مسئله مطرح نیست که آیا نحوه انتخابات مجلس خبرگان دمکراتیک خواهد بود یا نه - که مسلمان نخواهد بود. مسئله این است که مجلس خبرگان زورچپان کردن به مردم و جازدن چپیزی بجای چیز دیگری است. نفس "مجلس خبرگان" تحمیل و فریبکاری است و نه صرفا نحوه انجام این تحمیل."

واقعیات هم صحت نظر ما را نشان داد و هم رگه های لیبرالیستی سازمانها شد که تحت بهانه با مطلاح "افشاگری" در انتخابات شرکت کرده بودند. اما مردم علیرغم تبلیغات رژیم، علیرغم فتوای رهبران و مراجع تقلید، و علیرغم بدآموزیهای این سازمانها، انتخابات را بنحوی مژری تحریم

کردند. بعدی که خود رژیم اذعان کرد که تنها حدود ۱/۱ از کسانی که در رفراندوم رأی دادند در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کردند. بدین طریق توده مردم و سازمانهای که انتخابات را تحریم کرده بودند اولین گام را در لرزان کردن پایه های نهادی که میکوشید مطامع کاستی و فرقه ای خود را بر آنها تحمیل کند برداشتند.

با آنکه تحریم اکثریت دوسومی مردم در انتخابات، این مجلس را از خیر قاقا نونیت می انداخت مع هذا سردمداران انحصارگرا را هی بجز تشکیل مجلس نبود. در این زمان ما شعار ابطال انتخابات را مطرح کرده و اعلام نمودیم که:

"شعار ابطال انتخابات باید بصورت شعار مرحله ای از جانب همه نیروهای مترقی - چه آنها که انتخابات را تحریم کردند و چه آنها که در آن شرکت کردند - درآید. در این زمان، یعنی مدتی پس از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج آن، عده بیشتری تجربتا پی به واقعیت بردند اما هنوز پاره ای از سازمانها متشتت و ترومزلزل تر از آن بودند که به کارزار ابطال انتخابات بپیوندند. این بار نیز بخشی از چپ نه در پیشاپیش حرکت بلکه ما وراء آن لنگان لنگان و خیزان گام بر میداشت و جالب تر اینکه بی شناختی و دنباله روی خود را "همگامی با خلق" (و باید اضافه کنیم که با عقب مانده ترین بخشهای خلق) نام مینهاد. اما مجلس خبرگان بصورت افشاگر خویش در آمد و در حقیقت اولین گام مؤثر، از جانب خود مجلس برداشته شد. نمایش تراژیک و کمیک و رسوائی که کودکیان را بخنده و امیداشت و بالغین را به اندوه و ملالت دچار میکرد، ماهیت "خبرگان اسلامی" را در معرض دید میلیونها مردم قرارداد. پیران فرتوت و "جوانان" متحجر که صدای ظلمانی قرون را از حنجره های زنگ زده خود بیرون میدادند بصورت بازیگران این

نمایشنامه درآمدند. ریاکاری، توپش، حماقت و کوته بینی مضمونهای تکرار شونده "خبرگان بود. گویا سابقه در سفاقت بود - خواب دست عیاری از ما وراء عیای آخوندی در پس پرده بود تا ماهیت "خبرگان اسلامی"

را به هم بشنا ساند و توهمی برای کسی باقی نگذارد. در این مجمع فضاء، حتی از عبارت "نظام توحیدی" هراس بود. در این مجمع افرادی گردانندگی میکردند که حدی و حصری را بر مالکیت مجاز نمیشمردند (جای آقای قمی و "مالکیت نامحدود حضرت محمد با قرعلیه - السلام" خالی)، در این مجمع، ولایت فقیه با دیکتاتوری خلیفه و امام سیزدهم تصویب میشد و مع هذا استدلال میشد که اتهام دیکتاتور به ولایت فقیه کارا جانب است (۱) چون "فقیه کاری نمیکند جز کنترل قوای سه گانه" (همین!) و از امام امت "تائیدی گرفته میشد که "ولایت فقیه ولایت بر ماوراست که نگذارند این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت میکند بر رئیس جمهوری که مبادا پای خطائی بردارد. نظارت کند بر نخست وزیر که مبادا یک کار خطائی بکند. نظارت کند بر همه دستگاهها"

و با این همه، همین امام امت میگفت هر کس بگوید دیکتاتوری است عامل اجانب است چون "جلو دیکتاتوری را ما میخواهیم بگیریم - نمیخواهیم دیکتاتوری باشد میخواهیم ضد - دیکتاتوری [توجه شود که امام از واژه دموکرات دلخوشی ندارد] باشد. ولایت فقیه ضد - دیکتاتوری است نه دیکتاتوری". و با لایحه در این مجمع - و نه تنها در پیرامون آن - ناراضیان، و خبرنگاران روزنامه ها کتک میخورند. بهر حال هر چه اصرارها بیشتر، و نمایشنامه رسوا تر میشد، گروه گروه از مردم به این نتیجه رسیدند که معجزه ای از این امام زاده بظهور نخواهد رسید تا بدانجا که حتی ۱۷ وزیر از ۲۲ وزیر "کابینه فقیه" هم زیر نامه ای را امضاء کردند که در آن از سرخیز خواهی از امام درخواست شده بود که ولایت فقیه را از مصوبه ها بردارد. که این البته عکس العمل قاطعانه (و بسیار قاطعانه!) امام امت را در برداشت.

بهر حال این مضحکه نتایج کار خود را برای تصویب در اختیار "توده مستضعف" میگذارد و با از امام امت فرمان میدهد که "قانون اساسی صحیحی است!" توده تهیج شده با شعارهای خدا مپریالستی نیز بنظر حضرات "گله های کوفسندی" هستند که باید دنبال

گفته میشود که انتخابات مجلس

خبرگان بر حسب آراء طبیعی مردم و بدون

دخالت و توصیه این و آن مرجع بوده است..

سند زیر که بدست ما رسیده است افشاگرتر

از آن است که احتیاج به توضیح داشته

باشد. بخوانید و قضاوت کنید!

خدمت جناب عبدالحسین سرافراز

مرقم گرامی که حاکی از خدمت مزاج شریف بود و پس از انقباض آن طبع صبر کرد

در مدت کوتاهی از سر و پا شد و این که مرقم در مورد موضوع مورد نظر بوده

درست موضوع دیگر که در دست تذکر می باشد است که آن در دست آرد

آنان علی و علیهم السلام مانند جانب شریف از طرف راه که مارک

در صدوق از طرف راه لریز در مسیر جریان این جهت بر آن

با همی شرکت نمایند و بهین منظور در دست جانب لریز از طرف راه

خوبان در مسیر از دست در دست نمایند در دست موضوع حاضر

دقیقه خطیر را که بعد از این در دست انجام می دهد از خدمت

سند و رفعت جانب آرد و در دست طبع در دست

مدت در دست در دست در دست در دست

"شان" خوددراين بازي شرکت کنند و البته امام هم اجازه داده اند که اکثردلشان خواست رأي منفي بدهند ...

اينجا ست که بايد به صراحت و سرعت تصميم گيري کرد و اعلام نظر نمود . و اين امر بخصوص از جانب نيروها يي بايد مورد توضيح قرار گيرد که در گذشته بخاطر فقدان پيشت سياسي ، و بيا ليراليسم و فرقه گراني در دام رژيم افتاده و در انتخابات شرکت کرده بودند . اين نيروها وظيفه دارند که هم اظهار نظر نموده و هم مواضع گذشته خود را مورد بررسي قرار دهند . اين نيروها با يستي اين شها مت سياسي را داشته باشند که اعلام کنند که اشتباه کرده اند و نيز ريشه هاي پيشتي اشتباه خود را مورد نقد قرار دهند . امروز تحریم و فراندوم بايد از طرف چپ به وسيعترين شکل ممکن مطرح شود . تحریم ، و نه مجسدا " بازپيهاي عوامفريانه اي مانند " شرکت کردن و راه ي منفي دادن " . هرگونه شرکت در راه ي گيري ، حداقل نشانه سازشکاري و حداکثر ، مبين خيانتکاري است . بايد فراندوم ، تحریم شود . شرکت در آريولو بيهانه هاي دروغين " افشاکري " و " درجوار خلق بودن " و نظائر آن را اينبار کسي نخواهد بخشيد . بگذاريم از توده هاي

تهيج و تحميق شده در پشت سر امام امت سندن بردگي خود را تا آگاهانه امضاء کنند . آن توده نا آگاه ، در آينده آگاه خواهد شد ، و لسي آن کسانیکه امروز آگاه اند و در انتخابات شرکت ميکنند کسانیکه هستند که ندامت بر آنها حلال نخواهد بود .

با تمام قوا در تحریم نمايش رژيم بگوئيم و اجازه ندهيم که رژيم از جود امپرياليستي موجود براي رسيدن به مطامع سلطه گراني ، انحصار طلبانه ، و واپس گراني نه خود سوء استفا کند .

ما در عين اينکه از بوجود آمدن جو ضد امپرياليستي موجود استقبال ميکنيم . اعتقاد داريم مبارزه ضد امپرياليستي در باز پس شرفتن شاه مخلوع خلاصه نميشود و بايد با فشار آوردن به قدرت حاکم براي افشاء و قطع کليه روابط اقتصادي ، سياسي و نظامي با امپرياليسم امريکا مبارزه ضد امپرياليستي را تعميق بخشيد . به يقينه ما قطع کامل نفوذ امپرياليسم بدون تحقق خواستهاي دمکراتيک زحمتکشان و نابودي ارتجاع داخلی ممکن نيست . بنا بر اين وظيفه همه نيروهاي واقعا ضد امپرياليسم است که قاطعانه عليه فراندوم

براي مصوبات ضد انقلابي مجلس خبرگان وقتا نوني شدن تسلط ارتجاع موضع گيرند .

مؤثر ترين نوع "نه گفتن" به تنها باشد مصوبات مجلس ، بلکه به کل رژيم ، بحريم شرکت در مانور ، رسمي ندانستن و رسميت ندادن به نوطنه هاي آن است .

مجلس خبرگان و مصوبات ارتجاع عيش به زباله دان خواهد افتاد . اينها پاره عتيقه هاي رنگ زده قرون جاهليت اند که بصورت نا هنجار يدر تاريخ بيان قارچ سريشه در تاريخي پروشيد ه اند و با درخشش نور آفتاب منهدم خواهند شد و خبرگان در کنار خفتگان سلفشان مدفون خواهند گرديد .

* براي برقراري مجلس مؤسان نماينده واقعي زحمتکشان بنوشيم .

* با کوشش در راه تحقق خواستهاي دمکراتيک زحمتکشان مبارزه ضد امپرياليستي را تاريخي کن کردن نفوذ امپرياليسم تعميق بخشيم .

سازمان وحدت کمونيستي

۵۸/۹/۱

سخني با مجاهدين خلق

ديد طبقاتي نه در اقرار بوجود طبقات ، بلکه در دخالت آن در تحليل ها و عملکردها مشخص ميشود

در شماره گذشته مطالبی پيرامون مندر بر خورد سازمان مجاهدين خلق در سلسله مقالات " هشداری پيرامون چپ روي و چپ نمائي - پيام به مارکسيستي اصولي " نگاشتيم و تذکر داديم که نحوه برخورد رفقا شايسته سوابق مبارزاتي آنان نيست و نه تنها ابهامات بسياري ايجاد ميکند ، بلکه ايرادات متعدد نيز دارد . در اين مقالتيه همچنين يادآور شده بوديم که با آنکه ما تنها سارمانی بوديم که بطور مفصل و مشروح اعمال عده اي مارکسيست نما را عليه سازمان مجاهدين خلق محکوم کرده از اين نظر گامي در راه تفکيک شيوه کار دمکراتيک مارکسيستها و شيوه تروريستي مارکسيست نماها برداشتيم ، مع هذا اکنون مسلما " نه بعنوان دفاع از سازمان پيکار - که نظر خود را در مورد آن مشروحا " خواهيم نگاشت

- بلکه بعنوان انتقاد به هر نوع برخورد غير اصولي ، به عدم صراحتها و اختلاط مباحث و درهم کردن کل و جزء به نحوه برخورد مجاهدين اعتنا عرض داريم . در مقاله حاضر پاره اي از ايرادات و انتقادات ما به مضامين مطروحه در سلسله مقالات فوق ذکر ميشود با آنکه ظاهرا " سلسله مقالات مجاهدين پايان يافته است مع هذا شايد اين تذکرات در نوشته هاي آينده اين سازمان بي تاثير نباشد .

درک غير طبقاتي

مجاهدين چنين مي انگارند که هر کس از مبارزه طبقاتي درکي جز آنان داشت به " آريابي دراز مدت قضايي " دچار اشتباه ميشود و لاجرم کارش را اين خواهد بود که " امپرياليستها راضي "

شوند . اين نوع برخورد که خود حاکمي از فقدان يا ضعفيديد طبقاتي - عليرغم تصريح وجود طبقات - است در چنين ميحت مطروحه بروشنی دیده ميشود که عمده ترين آنها را برخورد آنان به مسئله امپرياليسم ، ارتجاع داخلی و مسئله مليتها ميتوان ديد . در اين زمينه ها ايراد توضيحاتي ضروري است .

در بسياري از جنبشهاي ملي ، ضد امپرياليستي و آزادي بخش اين مسئله از جانب نيروهاي " تمام خلقي " ، " جبهه اي " ، " ملي " و نظاير آن مطرح شده و ميشود که چون تضاد با امپرياليسم يا استعماري عمدي پيدا کرده است ، بايد از سر خورد به ساير مسائل و تضادها خودداري کرد مبدا تضاد با امپرياليسم تحت الشعاع آنها قرار گيرد و " امپرياليستها راضي شوند " . اين نوع برخورد که حداکثر حاکمي از داشتن یک حسن نيت

ساده انگارانه است اساساً " فراموش میکند که برای چه باید با امپریالیسم جنگید. آیا مسئله مبارزه با سیستم خاصی از مناسبات مطرح است و یا مسئله مبارزه با یک نیروی خارجی در جنگهای عهد عتیق و بعد از آن، نیروی استعمارگر - یا بهتر بگوئیم مهاجم - و نیز نیروی مورد تهاجم در شرایطی بسر میبرند که مناسباتی بسیار یکدیگر نداشتند. آنها جوامع برده داری، نظام آسیائی و فئودالی بودند که تولیدشان " ملی" بود و نه جهانی. مناسبات این جوامع حداکثر بصورت مبادله و تجارت چند قلم کالا بود.

طبقات در سطح جهانی انکشاف نیافته و روابط گسترده و پیچیده آن مجموعه جوامع را بصورت یک واحد تولید جهانی در نیارورده بود. جامعه "الف" با جامعه "ب" بعلل مختلف وارد جنگ میشد و هر کدام غالب میشد کل جامعه مغلوب را تحت سلطه خود در می آورد.

جنگهای ایران و یونان از کهن ترین آنها و جنگهای ایران و عثمانی از اخیرترین آنهاست. در بسیاری موارد - و بخصوص در مورد جوامع کوچکتر - مغلوب شدن بمعنای برده شدن بود.

تمام نفوس یک جامعه بصورت برده در می آمدند و خرید و فروش میشدند. در چنین شرایطی طبیعی بود که هنگام حمله از یک جانب، همه نفوس جامعه دیگر، صرفنظر از وابستگی های طبقاتی، بسیج میشدند. غیرممکن بود بخشی از ایرانیان را در معیت ارتش یونان دید و بر عکس. در آن ازمه ژنرال تیوها و ارتش چند صد هزار نفری آنها در کنار امپریالیستها با مردم خود نمیجنگیدند و "حرکی" های الجزایری، ایضا در شمار چند صد هزار نفری، بخدمت ارتش فرانسه در نمی آمدند.

اما قرن حاضر، قرن امپریالیسم، قرن سرمایه داری و پایان دوران استعمار (بمعنای کلاسیک) است. در این قرن تولید جهانی است. در این قرن وحدت بین بورژوازی جوامع مختلف به فراسوی "علائق" ملی میرود، در این قرن ایضا - و مهمتر از آن - طبقه کارگر بمثابة یک طبقه در سطح جهانی

شناخته شده است. در این قرن ارتش طاغوتیان صرفاً ابزار چپاول و سرکوب نیست. عامل بیگانه، و نیروی مزدور آن است.

قرن، قرن تکامل نهائی طبقات است و مذهبها بر مبنای آن انجام میگیرد. در چنین صورتی، که ظاهراً رفقای مجاهد نیز با آن مخالفتی ندارند، باید این شناخت را در تحلیلها و ارائه سیاست نیز پیاده کرد. عبارت دیگر به مسئله امپریالیسم نه بصورت یک نیروی خارجی و شیطانی بلکه بعنوان تبلوری از شیطان سرمایه داری نگریم که جهان را در بر گرفته است. در اینجا مرحوم جهان مکن القانیان و جناب حی و حاضر ایروانی و نیز همه کسانی که آرزوی صعود بدایره آستان - بورژوازی بزرگ - را دارند هیچ تفاوتی با مستر راکفلر و مسیو ... ندارند. در اینجا، در این قرن، شاهان نه در رأس ارتش با نیروی بیگانه میجنگند، که فراری به دامن مادر و حامی اجنبی میشوند. وحدت طبقات ارتجاعی داخلی و جهانی وحدتی فراگیر تر از تمصیبات ملی آنهاست. و لذا مبارزه با ارتجاع جهانی - امپریالیسم - از خانه شروع میشود و بخانه باز میگردد. جدا کردن مبارزه با ارتجاع داخلی از مبارزه با امپریالیسم، یا اولویت دادن به یکی حاکی از عدم توجه به وحدت آنهاست و منجر به ابرازاتسی میشود از این دست:

" در دوران گذشته، شاه به خاطر نقش خودش مورد نظر مانده بود، بلکه شاه برای ما فقط بعنوان کارگزار و سرپوش سلطه امپریالیسم مطرح بود. لذا در حال حاضر نیز موضعگیریهای ما علیه تمایلات ارتجاعی رایج در سطح سیاسی و اجتماعی تا آنجا اصيل است که در قلب خود، مستقیماً امپریالیسم را هدف قرار دهیم (تاکید از ماست) عبارت دیگر اگر دیوانه ای مثل ژنرال تروخیلوی جمهوری دومینکن بخاطر تمایلات فاشیستی خود مقابل یانکی ها ایستاد، خلق دومینیک باید تضاد

عمده (امپریالیسم یانکی) و تضاد فرعی (ارتجاع داخلی) را تشخیص میداد و پشت سر تروخیلوی خونخوار بحرکت در می آمد. ممکن است مجاهدین این ایراد را غیر منصفانه بخوانند. در این صورت این خود آنها هستند که باید جوابگوی تز خود باشند. هنگامیکه آنها ایراز میدارند، شاه برای مافقط بعنوان کارگزار و سرپوش سلطه امپریالیسم مطرح بود و چنان تضاد با امپریالیسم را عمده میدانند که توجه به سایر تضادها را " فرعی" قلمداد میکنند، مسئولیت استنتاجات از این تز را باید بپذیرند.

بهر حال این تز که سابقه تاریخی دارد به برکت " اندیشه های مائوتسه دون " در جنبش کمونیستی نیز رخنه کرده است و عوارض آنرا نه تنها در سازمان مجاهدین غیر کمونیست بلکه در بسیاری از سازمانهای کمونیستی هم مشاهده میکنیم. مادر گذشته در رهاشی تئوریک شماره ۲ به این دید در برداشتهای رفیق جزئی اشاره کرده ایم و در آینده بطور مبسوط تر هنگام تحلیل نظرات سازمانها به آن خواهیم پرداخت. اینها همه حاکی از عدم تشخیص این واقعیت است که تضاد اساسی و محوری در عصر کنونی تضاد کار و سرمایه است. تضاد کشورهای تحت سلطه با امپریالیسم صرفاً جلوه و نمودی از این تضاد است. غیرممکن است بتوان با امپریالیسم (و نه خارجها) مبارزه کرد، بدون اینکه ضد سرمایه و عمیقاً ضد سرمایه - و هرنوعش، "مشرع" و " غیر مشروعش" - بود. بجز این چاره ای نیست که نه تنها تروخیلوی را ضد امپریالیست ببینیم بلکه مبارزات " ضد امپریالیستی" تروخیلوی های وطنی را نیز تقدیس کنیم. کاری نداشته باشیم که یک نیروی فاشیستی خود را تشبیه میکند یا یک نیروی دمکرات. کاری نداشته باشیم که مبارزه ضد خارجی میشود یا ضد امپریالیستی. و باز ممکن است رفقا بگویند که مگر ما از مبارزات دمکراتیک حمایت نکرده ایم؟ و جواب ما اینست که اولاً بسیار کم کرده ایم، ثانیاً

بلیغرم خواست خود، بدلیل ایرادات دیگری که دارید- منجمله کیش شخصیت- غیر مستقیم به آن لطمه زده‌اید، ثالثاً آنجا که میباید و حتماً "باید میکردید" - مثل مسئله ملیتها - کاری نکرده‌اید و اکنون نیز توجیه‌گری میکنید (و به آن نیز خواهیم پرداخت) ... و بالا اینهمه این شما هستید که باید تضاد بین اجزاء ترهائتان - التقاط - و نیز بین پاره‌ای از ترها و اعمالتان را شرح دهید. و همانطور که گفتیم این تنها شما دوستان نیستید که گرفتار چنین تناقضاتی هستید. "ماثوئیستها"، "تمام خلقی‌ها"، "ملی‌ها" و نظائر هم نیز در وضع بهتری نیستند و تا زمانی که تشخیص ندهند "شاه فقط بعنوان کارگزار و سربوش سلطه امپریالیسم" مطرح نیست بلکه بالکل شاه بعنوان کارگزار سرمایه و امپریالیسم بعنوان تجسم سلطه سرمایه مالی مطرح است همواره هم شما و هم آنها در دام این تناقضات خواهید بود و در جستجوی تضاد عمده و فرعی یکرور دیکتاتوری شاه را با دیکتاتوری دیگری جابجا خواهید دید و روز دیگر یک امپریالیسم را با امپریالیسم دیگر، و معهداً هنوز کما اینکه شرایط را لمس نکرده‌اید مینویسید:

"آنگاه دستاوردهای بسیار کرانقدری را هم که طی مرحله مبارزه ضد دیکتاتوری تحت رهبری قاطع حضرت آیت‌الله خمینی حاصل کرده‌ایم، (استعمار گران) تدریجاً از ما باز خواهند ستاند!"

معلوم میشود که "استعمارگران" ولایت فقیه را تصویب کرده‌اند و "رهبر" را در قانون اساسی کنترل کننده قوای سه گانه معرفی نموده‌اند! آیت‌الله خمینی دمکرات! حتی خود ایشان هم از انتساب چنین صفتی بخود اکراه دارند! زنان ایران، خلقهای کرد و ترک و عرب و ترکمن، دهقانان و روشنفکران ... و بویژه کارگران داستانهای شگفت انگیزی از اعمال دمکراسی توسط خشم و غضب و جهاد و فرمان و بالاخره گلوله و توپ دارند. خیر رفقا مبارزه آقای خمینی ضد شاه بود و نه ضد

دیکتاتوری. مبارزه کنونی ایشان هم ضد بعضی خارجی‌هاست و نه ضد امپریالیسم. شاه هم فقط کارگزار امپریالیسم نیست، بیش از آن و پیش از آن کارگزار سرمایه است. مبارزه علیه ارتجاع داخلی هم همواره تابعی و بن و تا نهایت مطرح است و نه بر خلاف گفته شما:

"لذا در حال حاضر نیز موضعگیریهای ما علیه تمایلات ارتجاعی در سطح سیاسی و اجتماعی تا آنجا اصیل است که در قلب خود، مستقیماً امپریالیسم را هدف قرار دهد" (تاکید از ماست)

و این تر به معنای آنست که اگر فی‌الحال کارخانه‌داری مستقیماً با امپریالیستها مرتبط نبود نباید مبارزه را تا آنجا کشاند که کارگران آن کارخانه را وادار به مبارزه کرد، ولو اینکه این مبارزه بطور غیرمستقیم علیه امپریالیستها باشد، همان دید تعطیل مبارزه طبقاتی - علی‌رغم اصرار و تأکید بر شناخت طبقات - همان دید موکول کردن مبارزه طبقاتی به بعد از مبارزه رزه طبقاتی به بعد از مبارزه "ضد امپریالیستی" (الجزایر کرده است! و عبدالناصر نیز) و همان دید "بزرگ نمیر بهار میاد" است. دهقانان! نکند زمینها را بگیرید. خلق‌ها! با وجود اینکه "حق" دارید ولی نکنند مبارزه جدی کنید. کارگران! با وجود آنکه استثمار میشوید ولی ناراحت نباشید چون کارفرمایان "ملی" است. زنان! با وجود آنکه چیزی از حقوق انسانی برای شما باقی نگذاشته‌اند، نکنند آلت دست شوید و "امپریالیستهای راضی" شوند. زیرا اگر چنین شود همه شما استثمار میشوید. و آن کارگرو دهقان و اقلیت ملی و زن و... به این رفقا خواهند گفت: مگر لائت می‌شویم! مگر مرض داریم کشته بدهیم مگر ما بخاطر این با امپریالیسم دشمنیم که "خارجی" است و غیر اسلامی است و این مارا بیاد گفته آقای خمینی میاندازد که در اعتراض به کارگرانی که حقوق بیشتر میخواهند می‌گفت "مگر شما انقلاب کرده‌اید

که حقوق و مزایای بیشتر بگیرید؟ شما بخاطر اسلام انقلاب کرده‌اید و با محرومیت بیشتر باید بسارید". این گفتار از آیت‌الله خمینی عجیب نیست. اسلام برای ایشان یک ایده‌آل معنوی است. اگر همه مردم گرسنه بخوابند و لسی مسلمان باشند "صحیح است" طبقه و قشر هم وجود خارجی ندارد. و باز بگفته ایشان "همه کارگرند، خدا کارگراست، ائمه هم کارگر است". اما شما درستان می‌گوئید که موجود طبقات مومن هستید. پس آیا زمان آن نیست که متوجه شوید که مبارزه ضد امپریالیستی فقط از کانال مبارزه طبقاتی اصالت دارد و نه بالعکس تر شما رفقا، و تر ماثوئیستها و رویز یونیستها (و این مطلقاً بدان معنی نیست که شمارا برابر نهاده‌ایم، منظور این تر است)، آری این تر، تر "عقل سلیم" است و نه تحلیل طبقاتی. همه با هم متحد می‌شویم، امپریالیسم را نابود میکنیم، بعد از آن مبارزه طبقاتی میکنیم. انشاء‌الله. و لسی "متأسفانه" نه تاریخ چنین نشان داده است، نه تجارب مبارزات خلقها، و مارکسیسم که تکیه بر ایندو دارد، یک قرن و نیم است که عقل سلیم را با علم جابجا کرده و نشان داده است که تنها آن کارگری با چنگ و دندان مبارزه خواهد کرد که چیزی برای حفظ کردن نداشته باشد و تنها آن دهقان بیل و کلنگش را بیاری خواهد گرفت که صا- حب محصول کار و یا زمینش باشد. امپریالیسم جز بطور مشخص در زندگی روزمره رابطه و استثمار زحمتکشان معنایی ندارد. کسی در مقابل "امپریالیسم انتزاعی" پیکیرانه نخواهد جنگید، حتی مؤمنین به اسلام انتزاعی، آنطور که آیت‌الله خمینی اندرز میدهد. انقلابی پیروز میشود که دهقانانش گام به گام در تصرف هر منطقه زمینها را از مالکین بگیرند، انقلابی شکست نخواهد خورد که کارگرانش با تصرف کارخانه، کارفرما را بیرون کنند ... بجز این، تصور پیروزی انقلاب، تصور بیرون راندن امپریالیسم خواب و خیال شیرین است. ویتنام را بتگرید و الجزایر رانیز. (ادامه دارد)

در حاشیه۰۰۰۰۰

دمکراسی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱۲

آقای دکتر ممکن "معاون وزارت ارشاد ملی" - گویا مصاحبه های طوئنی خود با وسایل ارتباط جمعی جمهوری اسلامی در خصوص ضرورت توقیف نشریات و کوششهای شبانه روزیشان را در رابطه با "قانون مطبوعات محمد رضا شاه" فراموش کرده اند که میفرمایند:

... "ما مطمئن داریم که

است که هنرمندی آقای بنی صدر - مورد تمذیق ما هم واقع میشود. بدا بحال کسانی که رهبران در مبارزه ضد امپریالیستی چنین کسانی هستند و وای بحال کسانی که از روی اپورتو- نیسم در تائید اینان در فریب خلق شرکت میکنند.

مردم انتخاب خود را (در برابر تعدد نشریات) میکنند و این نشریات پس از مدتی بعلت نداشتن تیراژ خود - خود تعطیل میشوند..... مسا مخالفتی با انتشار اینها (نشریات توقیف شده) نداریم... ما سرخستانه با گرفتن و بستن نشریات مخالفیم و و روزنامه ای که نوای مخالف میزند هر چه بیشتر از انتشار

امام جمعه و امام امت

از خطوط متقاطع هم آقای قطب زاده ، هم بنی صدر ، هم یزدی مرحوم و هم بهشتی ، هم جناب چمران و هم حضرت بازرگان ، همه در خط امامند. و امام هم همه را در خط نگاه داشته است ! اینکه امام چنین کرده یا سودای قدرت چنین بازی میکرد مهم نیست. مهم اینست که در زمان حیات یک فرد خطا و به هزار گونه تفسیر میشود (یاد خط ماثوته دون و تفسیرهایی که هر کس برای خود میکرد - و میکند - و ماثو هم با بزرگواری همه را از پیروان خود می خواند ، بخیر) . این مسئله بهر رو نکته مهمی را نشان داد و آن اینست که روحانیت کاست روحانی علیرغم تصادفات و تعارضات تشریفات ظاهری در مقابل تکانهای ناشی از واقعیات اجتماعی تاب مقاومت ندارد . مبارزه طبقاتی ، منکرین وجود طبقات را نیز مصون نمیدارد. انکار واقعیت نفی واقعیت نیست . تضادهای قدیمی تر حزب جمهوری خلق مسلمان و حزب جمهوری اسلامی ، جناح بندیهای حزب املی و جناح لیبی جناح بندیهای حزب الهی و سایرین تازه در آغاز رشد و بروز اند حفظ ظواهر مسئلهای را حل نخواهد کرد بلکه برعکس حرص قدرت آنها را متشتت تر خواهد نمود و چنین باد !

حساب شده ای بود جهت بپا کردن آشوب و تحریک ، غرض این بود که در عکس - العمل به این سخنرانی ، اقداماتی از طرف کردها صورت گیرد و سپس پاسداران و ارتش به عنوان واکنش نسبت به اقدامات ضد انقلابی کردها " مجدداً به کشتار بپردازند و حلقه معیوب قتل ر انتقام تکرار گردد . در مقابل ، جناح دیگر رقیب ، که فعلاً سردمدار " مبارزه ضد امپریالیستی " است (و از سردمداران اصلی و بطور اصل ضد امپریالیست (۱) آن مادیق قطب زاده است) با در دست داشتن دستگه - تبلیغات ، واکنش نشان داد. حوزه علیه قم که خود را از ارکان اصلی انقلاب میدانند و از قدرت یابی حزب جمهوری اسلامی چندان خرسند نبوده است باین کارزار پیوست و با تقبیح سخنرانی منتظری نشان داد که جنگ قدرت در میان روحانیون تا چه حدی است . " امام امت " نیز در این میان با حفظ موقعیت خود در میان جناحهای متخاصم کوشید پشتوانه خود را تحکیم بخشید و از آنجا که جناحهای مختلف در رقابت اند و هر یک وجود امام را بدلیل خاص خود مفید میداند هر روز قامت او را برارنده تر و رهبری او را بی چون و چرا تر میکنند . " همه " در خط امامند. ولی این خطی است مرکب

همانطور که پیش بینی میشد مبارزه ضد امپریالیستی در روند خود از محدوده هایی که سردمداران رژیم برای آن طلب میکردند فراتر رفت و موجب ترس وافر زعما شد . تشدید جو ضد امپریالیستی - با بیای کوتاه آمد - نهای اجباری و موقتی بخش هایی از هیئت حاکمه در مورد کردستان ، موجب شد که جناحی که منافع مستقیم خود را در آتش افروزی و نفاق افکنی میدید بتقل افتد . این جناح - یعنی حزب جمهوری اسلامی - که مدارج اصلی قدرت را در دست دارد متوجه شد که همبستگی وسیعی که در مبارزه ضد امپریالیستی بین نیروهای مختلف اجتماعی میتواند بوجود آید ، پایه های " حکومت " و سلطه او را متزلزل بخطر اندازد . جنگ افروزان و آشوبگران که ظرف چندین ماه از هیچ کوششی جهت براه انداختن یک کار زار وسیع علیه نیروهای مرفعی و خلقهای ایران ابا نکرده بودند و کار را تا کشتار و قصابی خلقهای ترکمن و عرب و کرد کشیده بودند ، طبیعی بود که از توطئه و تحریک باز نایستند. چهره " پشت پرده " (۱) آقای بهشتی در سیمای " حضرت آیت الله العظمی منتظری " نشان داد که چه کسانی و با چه طرز تفکری بر مقدرات مردم حکومت میکنند. سخنرانی روز جمعه آقای منتظری مانور خط امامند. ولی این خطی است مرکب

خیلی محرمانه



فہ ستارہ شد .

ماخذ: از آنان را با گراهی باین حمایاری ارسال دارند.

رئیس حمایتی بحرانه شریک شهر

گیرند -

ریاست اداره اطلاعات بازگشت بفرموده ۳/۴۰۲۵ = ۲۹/۳/۲۵۳۷ جهت استحضار.

خیلی محرمانه

12/21

AV. 5, 24

DL 8-7A

10/10/10

شیخ فضل‌الله نوری برای جلوگیری از بیشتر برای رفاندومی که نتیجه آن از پیشروشن است، اخیراً نغمه‌هایی برای اضافه کردن متمم به قانون اساسی و تأیید فقیه را سر داده اند، تا راه را برای تغییر و تبدیلهای آینده بازگذارند و بدینوسیله مخالفان لیبرال خویش را بیای صندوق رای بکشانند. اظهارات اخیر آیت‌الله شیرازی درمورد در این مورد، راه را برای سبازش جناحهای مختلف مذهبی باز میکند.

و بدین ترتیب هر دستگیری با اجازة
 "دادستانی" انجام میشود بطور قطع
 ساواک میتواند است (و خواهد توانست) از
 این کلاه شرعی چیزی بیاموزد.

آخرین تلاش

با نزدیکتر شدن رفرا ندوم قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان، زعمای قزم، بفکر چاره اندیشی جدیدی افتاده اند و ادامه دهندگان صدیق راه جنت مکان

با همه این دورویی ها و
دموکراسی طلبی ها معلوم نیست که
چرا تعدادی از نثریات و منجمله
نثریه رهائی کماکان در محاق توقیفند!
و چرا نمیگذارند مردم خودشان از این
نثریات روی گردانند. این دعاوی تنها
دورویی نیست معجونی از وقاحت و عقب
ماندگی است که تصور نمیکند با بهره
بنی بشری خواهد پرسید پس تشریفات
مترقی را چه کسی در توقیف نگاه...
داشته است؟

کلاہ شعری

از اصول پیشنهادی قانون اساسی جدید، در مورد آزادیهای دموکراتیک، لزوم داشتن مجوز قانونی از طرف دادستان برای دستگیری اشخاص است. صرفنظر از تعاریف نادرستی که در قانون اساسی پیشنهادی در مورد آزادی های دموکراتیک شده است، عملکرد ماورین رسمی و غیر رسمی حکومتی نیز جالب توجه است. از جمله شکرده های "شرعی" این آقایان برای دستگیری قانونی!! مبارزین، چاپ فرم های استانی ندارد اجازه قانونی دادستانی است. این فرمها که اخیرا در اختیار کمیته ها و سپاه پاسداران قرار گرفته است دستور جلب و توقیف اشخاص می باشد که بجای نام چند نقطه گذاشته شده و ماورین بمیل خویش در محل نقطه چین اسم فرد مورد نظر را میزنند!

دو سند!

متن یکی از اسناد

درباره: کمک مالی به روحانیون مخالف
خمینی در تبریز

نظر براینکه آقایان میرزا یوسف
هاشمی حکم آبادی و میرزا حمید واعظی
ومیرزا حمید شریبانی سردسته مخالفان
خمینی و قاضی هستند دستور دهید کلیه
بودجه ویژه ده میلیون ریالی روحانیون
در ساواک تبریز در اختیار نامبردگان
فوق قرارداداده شود و به آنها تاکید گردد
که بودجه مربوطه باید بر علیه خمینی
و سردسته طرفداران خمینی در تبریز
یعنی قاضی خرج و تبلیغ گردد مراتب
جهت اقدام سریع اعلام می شود.
رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کل کشور

سپهبد مقدم

خیلی محرمانه
شماره ۱۰۱۲/۱-۳
تاریخ ۵۷/۱۰/۲۹
پوست ندارد
سازمان اطلاعات و امنیت
کل کشور
ساواک آذربایجان شرقی

درباره: کمک مالی به روحانیون مخالف خمینی در تبریز

نظر براینکه آقایان میرزا یوسف هاشمی حکم آبادی و میرزا
حمید واعظی و میرزا حمید شریبانی سردسته مخالفان خمینی
وقاضی هستند دستور دهید کلیه بودجه ویژه ده میلیون ریالی
روحانیون در ساواک تبریز در اختیار نامبردگان فوق قرار داده
شود و به آنها تاکید گردد که بودجه مزبور باید بر علیه خمینی
و سردسته طرفداران خمینی در تبریز یعنی قاضی خرج و تبلیغ
گردد مراتب جهت اقدام سریع اعلام می شود.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کل کشور - سپهبد مقدم

بالاخره رژیم هم مجبور با اعتراف باین امر شده است که در گذشته عده‌ای از روحانیون
و یا بقول آنها روحانی نمایان با ساواک همکاری داشته‌اند. دو سه نفری هم من باب
خالی نبودن عریضه " خلع لباس " شده‌اند و بجای آنها روحانیون پاک و وارسته بر مسند
نشسته‌اند. دو سند زیر نشان میدهد که این روحانیون پاک و منزّه از چه قماشند. در یکی
از اسناد نام میرزا حمید شریبانی بچشم میخورد که امروز در تبریز به مقام جرئت مآب
" آیت‌اله شریبانی " ارتقاء یافته است. ایشان باتفاق سایر همکاران گرام اکنون در
مقام ریاست کمیته انقلاب اسلامی شهرستان تبریز به رتق و فتق امور و رسیدگی به جرائم
ضد انقلاب مشغولند و تخصص ایشان در مبارزه با چپ‌هاست. در سند دیگر با اسم سه روحانی
پاک دیگر (و ایضاً رئیس کمیته) برخورد میکنیم. جالب اینجاست که یکی از اسناد فوق
مربوط به روحانیون مرتبط با حزب جمهوری خلق مسلمان است و سند دیگر مربوط به حزب
جمهوری اسلامی. بیلۀ دیگر بیلۀ چغندر. " اپوزیسیون " درونی این روحانیون هم در پاکی
و نظافت دست‌کمی از قدرتمندان ندارد، که گفته‌اند انتظافه من الایمان.

باز هم بپرسید چرا اسناد ساواک افشاء نمیشود!

مداخله نظامی آمریکا

بدون تحقق خواسته‌های زحمتکشان مبارزه ضدامپریالیستی ریشه‌ای نخواهد بود

پس از قیام ۲۲ و ۲۳ بهمن ماه ۵۷ توده‌های زحمتکش خلق، امید داشتند که خواسته‌های دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب که به‌خاطر آنها دهها هزار نفر جان خود را فدا کرده بودند تحقق یابد.

کرچه بخاطر درهم‌پاشیدن سازمانهای سرکوب رژیم شاه بدست نیروهای انقلاب بی‌توده‌های زحمتکش چندصاحب‌یاری آزادی پدید آمد، ولی خرد بورژوازی تنگ نظرستی که رهبری انقلاب را به دلیل مشخص تاریخی به‌چنگ آورده بود و همراه با بخش عقب افتاده بورژوازی لیبرال که نقش شریف معامله رابازی میکرد با استفاده از ارگانهای قدرت خود در راه آن شورای انقلاب و دولت موقت، به محدود کردن گام‌های آزادی‌های بدست آمده مردم همت گماشتند و نشان دادند که ما بلندپرو می‌تواند نفوذ امپریالیسم و در راه آن امپریالیسم آمریکا را از ایران ریشه‌کن سازند.

گوش غاصبین قدرت به‌شعار توده‌های جان‌بکف مردم که در هنگام متلاشی کردن رژیم شاه فریاد می‌زدند "بعد از شاه نوبت آمریکا است" بدهکار نبود. هنگامیکه در روزهای پس از قیام سفارت آمریکا بوسیله انقلابیون مسلح تسخیر شد، تدریجاً در خشکی‌ها این عمل را ضد انقلابی خواندند و از سولویان، سفیر آمریکا که دستش بخون مردم هندوچین آلوده بود و در ماههای آخر حکومت شاه خائن گرداننده اصلی کشتارهای شاهانه بود، عذر خواهی کردند.

سیر جریان‌ها پس از آن نشان داد که نگرانی بعضی از محافظت آمریکایی‌ها بابت قطع نفوذ و از دست دادن منافعتشان در ایران بی‌مورد بود و گم شدن اسناد جاسوسی و روابط رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از سفارت ایران در آمریکا مذاکرات شهریاری روحانی، نماینده امام در آمریکا با ونس وزیر خارجه آمریکا که پس از آن کارتر اظهار خوشنودی و امیدواری کرده ایران جدید حتی ممکن است در پیمانهای امنیتی منطقه شرکت کند، حملات مقامهای مذهبی و غیره - مذهبی رژیم ایران علیه دولت ضد آمریکایی افغانستان و پشتیبانی از نیروهای ارتجاعی ضد دولتی افغانستان که متکی به مالکان بزرگ

بوده و در پاکستان بوسیله ماء مورین جاسوسی آمریکا تعلیم میدیدند و فرستادن معاونت امور انقلاب "چمران" برای شرکت در کنفرانس ارتجاعیون "مسلمان" افغانستان در پیشاور نشان‌هایی از حرکت در جهت خط آمریکا بود.

روابط حسنه با سلطان عمان که بوسیله ارتش شاهنشاهی ایران توانسته بود جنبش انقلاب بیون عمان را سرکوب کند و نیز ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور کودتای پاکستان که در قضا به خلق فلسطین در سپتامبر ۱۹۷۵ شرکت داشت و اکنون بنام اسلام حکومتی فاشیستی را مستقر کرده است، و بطور کلی سیاست ایران در خلیج فارس، برای آمریکا جای نگرانی باقی نگذاشته بود.

عدم افشای قراردادهای سری نظامی، جاسوسی، اقتصادی و سیاسی آمریکا و رژیم شاه، عدم افشای اسامی ماء مورین سیا، آزاد ساختن ماء مورین ساواک این دست - پروردگان سازمان جاسوسی آمریکا همه دلالی بوده که آقای کارتر می‌توانست آسوده بخوابد که علیرغم شعارهای ضد امپریالیستی، اوضاع در این منطقه امن و امان است.

افزایش فعالیت‌های جاسوسی آمریکا و پیدا شدن دوباره سرکله مستشاران آمریکایی در ایران برای بررسی احتیاجات نظامی ایران با شکنجه مبارزین چون زندانی رژیم شاه و مجاهد خلق، سعادتی در کمین پشت سفارت آمریکا توسط متخصصین فن به جرم کوشش در افشای نام جاسوسان آمریکا، تجدید قرارداد چند میلیدالری نظامی با آمریکا، ادامه تحصیلات نظامی (جاسوسی) بیش از ۲۴۵ نفر از دانشجویان افسری در آمریکا و... بازم گوشه‌هایی از این روابط حسنه قدرت حاکم و امپریالیسم آمریکا است.

آیا سفر شاه به آمریکا و نفرت عظیم و بی‌حق رهبران به این جنایتکار خائن سبب خشم ضد آمریکا گشتان گردید؟ اگر چنین است پس چرا عضو شورای انقلاب و سرپرست محبوب مداسیمای جمهوری اسلامی که

اکنون چون لیل در افشای آمریکا داد سخن میدهد، حتی حاضر نشد اعلامیه سندیکای کارکنان صنایع نفت را که طی آن امپریالیسم آمریکا را تهدید میکرد که انارشاه مخلوع را برای محاکمه به ایران تحویل بدهد جریان نفت را به آمریکا قطع خواهند کرد، در صداسیمای جمهوری اسلامی بخواند و طبق معمول این نامه را هم به زیرگوتین سانورسید.

امپریالیسم آمریکا گرچه از روابط حسنه خود با جمهوری اسلامی خوشنود بود و از تبلیغات ضد کمونیستی قدرت حاکم لذت میبرد، اما میدانست که در دراز مدت دید عقب‌گرایانه موجود با منافع سرمایه‌داری انحصاری در تضاد بوده و نیز علیرغم فواید تبلیغات ضد کمونیستی در کوتاه مدت ادامه سلطه خرد بورژوازی -

کفایت و تنگ نظر خود زمینه را برای رشد کمونیسم فراهم می‌نماید. از اینرو امپریالیسم آمریکا از حرکت لیبرال‌ها برای در دست گرفتن قدرت سیاسی استقبال میکرد و در عین حال به جمع آوری مهره‌های لازم برای یک کودتا در فرصت مناسب می‌پرداخت.

با این ترتیب ایجاد ناآرامی‌ها را زار ضد امپریالیسم آمریکا را در رابطه با پیشگیری از به قدرت رسیدن رقبای لیبرال بورژوازی و در ارتباط با آن ناراحتی از تقلیل پایه توده‌ای و نگرانی از عدم استقبال توده مردم از مصوبات ارتجاعی مجلس "خبرگان" میتوا دید. و با لاف خرد بورژوازی حاکم امید دارد سلاح مبارزه ضد امپریالیستی را از دست نیروهای مترقی بگیرد و در واقع بایک تیر به نشان بزند ولی علیرغم همه عوام‌فریبی‌های قدرت حاکم، مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، نه‌ماه پس از پیروزی قیام، وارد مرحله جدید شده است. تمام کوششهای ارتجاع داخلی، برای لگام زدن به سمت مبارزات توده‌های ستم کشیده جهت مبارزه - ای قاطع علیه امپریالیسم جهانی، امروز مواجه با این است که است اما این بن بست نشان پایان این کوششها نیست. ارتجاع هنوز میکوشد که با هر چه در توان دارد، این مبارزه را منحرف و خالی از محتوی گرداند و از

طرق مختلف کار این جدال تاریخی را به سازش منتهی کردند. کما اینکه در طول نه ماه گذشته با توسل به شیوه های گوناگون تحمیق ناحدی غیرقابل تصور، موفق شده قیام یکپارچه مردم را علیه امپریالیزم و ارتجاع داخلی از مضمون تهی سازد.

آنچه که امروز مقابل ماست، بر خلاف ادعای کارگزاران رژیم، نه محصول اراده یک فرد است و نه حاصل همت گروهی کوچک بلکه، ناشی از خملت های اساسی و مضمون واقعی قیام مردم ما است.

اگر امروز، رهبران میکوشند که حرکت مردم علیه حاکمیت امپریالیزم امریکارا، حرکتی بارآده "رهبری" در اذهان توده ها جایگزین نمایند، بخطر رفته اند که این، اگر از سر عوامفریبی باشد خیانت نام دارد و اگر از سر نابخردی، حماقت، برعکس، مسامحه و تردیدهای ماهوی قدرت حاکم در اتخاذ سیاستی قاطع در قبال توطئه های عوامل وابسته به امپریالیزم و نرمش در مقابل همه تجاوزات و دسائش آشکارا میسر- یالیزم امریکا طی ۹ ماه زمامداری سردمد- اران کنونی، باعث شده است که امروز زحمتکشان بهایی بمراتب سنگین تر از پیش برای قطع وابستگی به امپریالیزم بپردازند مجال و فرصت های گرانبهای از دست داده شده توسط رهبران، چیزی نیست که بتوان آنرا در موجی از اتهام و فحاشی ریاکارانه به نیروهای واقعی ضد امپریالیست، پنهان ساخت. بر هیچکس پوشیده نیست که درست در شرایطی که می شد با قاطعیت، با تسخیر کلیه مواضع سیاسی اقتصادی نظامی امپریالیسم در ایران، شرایط زوال مناسبات جابرانه پیشین را متحقق و از توطئه های آشکار و پنهان آن علیه قیام مردم جلوگیری کرد بسیاری از همین رهبران و منادیان "ضد امپریالیست" امروز، ترجیح دادند که اراد ضد امپریالیستی مردم را که میرفت، درهمه او ان پیروزی، به این امر مهم دست یازد، سرکوب نمایند. و هنوز نیز می بینیم که همین سردمداران، علیرغم ژست های عوام فریبانه شان، چگونه از معادله سرمایه ها و لغو قراردادهای اقتصادی - نظامی بسا دول امپریالیستی سرباز میزنند و می بینیم که چطور هنوز با حفظ این سرمایه ها و قراردادهای، تلویحا، ابواب "مراوده مجدد" و "آشتی دوباره" را تدارک می بینند و از اینروست که امپریالیسم امریکا، با خواندن دست حریف خود، ابتکار عمل را تا کنون بدست گرفته است. مانور

های دیپلماتیک امریکا در سطح جهان و محاصره اقتصادی ایران و ترغیب کشورهای صنعتی جهت تبعیت از سیاست محاصره اقتصادی ایران، و بالاخره، تهدید به مداخله نظامی همه و همه گوش های امپریالیزم امریکا برای فتح مجدد سنگرهای حاکمیت خود در ایران است که امروز بمخاطره افتاده است. حضور ناوگان دریایی امریکا در تنگه هرمز میتواند بخشی از توطئه امپریالیزم، در رابطه با محاصره اقتصادی ایران باشد. بدین معنی که امریکا احتمالا میکوشد با بستن تنگه هرمز بروی کشتی هایی که بقصد بنادر ایران در حرکت و یا از بنادر ایران بارگیری کرده اند، حلقه محاصره اقتصادی ایران را تنگ و تنگ تر نماید.

ما با آنکه اقدام رژیم را اصیل نمی دانیم و اعتقاد نداریم که ماهیت شورای انقلابی که عملکرد غیر انقلابی و مصوبات ارتجاعی ۹ ماهه آن در برابر چشمانمان قرار دارد، به آن اجازه نمیدهد مبارزه جدی ضد امپریالیستی بنماید، بوجود آمدن جو ضد امپریالیستی کنونی را علیرغم خواست قدرت حاکم بنفع نیروهای انقلابی ارزیابی میکنیم. و بهمانگونه که در جنگ اکتبر ۷۳، با وقوف کامل به این امر که، امپریالیسم با تاکتیک "جنگ محدود" کوشش داشت مرتجعینی چون سادات و حافظ اسعدی، "فهرمان" سازد، و در این تاکتیک، پرستیژ وحشیست خلق فلسطین، با بیشرمی کامل بوسیله امپریالیزم، مهیونیم و مرتجعین عرب به بازی گرفته شده بود، در جنگ میان اعراب و اسرائیل شرکت نمودیم. امروز در ایران نیز با اعتقاد به مبارزه ای قاطع علیه امپریالیزم جهانی، در صورت مداخله نظامی امریکا در ایران، بدون جدا ساختن مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه - رزه علیه ارتجاع داخلی، علیه تجاوزات امپریالیزم امریکا، بمقابله برخواییم خاست و با تمام قوا در این نبرد تاریک ساز شرکت خواییم نمود ما اعتقاد داریم که ریشه کن کردن امپریالیسم جهانی و درراس آن امپریالیسم امریکا بدون تحقق خواست های دمکراتیک زحمتکشان و نابودی استثمار ممکن نیست ولی ایجاد جو ضد امپریالیستی موجود هرچه بیشتر بتوده ها ماهیت رهبری کنونی را نشان خواهد داد و در عمل روشن خواهد شد که با وجود چنین رهبری اگر هم سروصدای ضد امپریالیستی با عمل توأم شود تنها ناشی از فشار توده ایست و نیروهای انقلابی میتوانند با طرح خواستهای عمقا ضد امپریالیستی هرچه بیشتر قدرت حاکم را

افشا کرده، آگاهی توده ها را افزایش دهند و از طرف دیگر از سوء استفاده خرده بورژوازی حاکم از هیجان توده های برای تحمیل قوانین ارتجاعی مجلس خبرگان جلوگیری نمایند.

نمیتوان ضد امپریالیست بود ولی نوا- نینی تصویب کرد که در جهت تحکیم سرمایه داری باشد و کارگران را به بند کشد، زنان را به عقب برد و حقوق خلقها را نادیده گرفت و ارگانهای سرکوب را بر توده ها مسلط گرداند، آزادیهای بدست آمده در انقلاب را که خونبهای دهها هزار کشته است از آن ها بگیرد و بالاخره بنام ولایت فقیه همچون قبل از انقلاب و در لباس تازه یکنفر را بر سرنوشت ۳۵ میلیون مسلمانان بگذراند.

مبارزات ضد امپریالیستی را تعمیق بخشیم و از تحمیل توده ها جلوگیری کرده و برای تحقق خواستهای ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و ضد استعماری انقلاب مردم تشکیل مجلس موسسان را طلب کنیم. ما برای تداوم مبارزه علیه امپریالیزم خواستاریم که:

- همه قراردادهای سری با امپریالیستها و درراس آن امپریالیزم امریکا افشاء و همراه با قراردادهای عیان امپریالیستی لغو گردد.
- کنترل واقعی تولید و فروش و صدور و توزیع نفت از دست تراستها خارج شود.
- مستشاران نظامی از ایران بصرای همیشه اخراج شوند.
- اسامی جاسوسان امپریالیسم بسرکودگی امپریالیسم امریکا و ماورین ساواک و رابطه ساواک و سازمانهای جاسوسی امپریالیسم افشاء گردد.
- عاملین سرکوب خلق کرد و نیروهای مترقی و ضد امپریالیست محاکمه شوند.
- شوراهای واقعی زحمتکشان تشکیل گردد.
- آزادی عقیده، بیان و مطبوعات تامین شود.
- برای ادامه و تحکیم مبارزه ضد امپریالیستی مصوبات مجلس خبرگان بدور ریخته شود.
- مجلس موسسان تشکیل گردد.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکودگی امپریالیسم آمریکا

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و دمارتجاعی خلق های قهرمان ایران ●

در حاشیه رویدادها

مبارزه ضد امپریالیستی

بالاخره پس از مدتها انتظار، دم خروس مبارزه " ضد امپریالیستی " کارگزاران قدرت حاکم از زیر عیایشان آشکار شد. " استاد " ابولحسن بنی صدر " قهرمان مبارزه ضد امپریالیستی " خلق مستضعف "، " تئوریسین اقتصاد اسلامی "، " اسزمن شناس "، در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های صبح تهران اظهار لحنیه فرمودند که " برقراری موازنه منفی در رابطه ما با امریکا یک اصل است - در اصل رابطه قوا (؟) حقوق دیپلماتیک حکم میکند یک طرف شکست بخورد و یکی پیروز شود - حقیق ما اینست که شاه مخلوع مسترد شود و امریکا تأیید کند او به حقوق ملت ایران تجاوز کرده و دستش بخون این ملت آلوده است و آنوقت ما هر دو بحق میرسیم و در این زمینه میتوان گفت که گروگان ها هم آزاد شوند بالاخره یکی باید در طی کردن این خط سیر پیروز شود.

برای ما این ابراز نظر تعجبی بوجود نیاورد. از همان ابتدا وجود عوامل متضاد بسیار و ناهمگون و عدم تجانس بین اصول یک مبارزه ضد امپریالیستی قاطع و ماهیت طبقاتی رهبری این حرکت بوضوح عوامفریبی و زمینه‌های سازش را در بطن این اقدام نشان می

داد و این را بدفعات هم ما و هم برخی از نیروهای مترقی دیگر که گرفتار توهمات " چون قبول " خط ضد امپریالیستی " رهبران فعلی حکومت نبودند با نحاء مختلف بیان کردند. بهر حال آنچه که سرپرست وزارت امور خارجه و دارائی و عضو شورای انقلاب و مطرح نموده است صرف نظر از ردیف کردن مشتی خزینات (که قاعدتا باید نشان عدم آشنائی ایشان با مفاهمی که بکار برده اند باشد) جوهر اصلی برخورد این جناب و هم مسلکانش را در امر مبارزه علیه امپریالیسم بنمایش میگذارد و مفهوم واقعی " مبارزه ضد امپریالیستی " حضرات رهبران را بخوبی بیان میکند. طبق نظر این حضرت، حق مادر این مبارزه نه قطع رابطه با امپریالیسم غارتگر و متجاوز امریکاست و نه افشاء قرار دادهای سیاسی، نظامی و اقتصادی آن و نه الغاء آنها و نه ملی کردن سرمایه‌های امپریالیستی. حق ما - حق زحمتکشان جامعه، حق مردم - این است که امریکا شاه سابق را مسترد گرداند تا هر دو (هم ما و هم امپریالیسم امریکا) بحق خود برسیم. حق ما را " تئوریسین اقتصاد توحیدی " مرحمت فرمودند و روشن ساختند که

این مبارزه چیست و چه اهدافی را مبارزه ضد امپریالیستی کنونی تعقیب مینماید. حق ما این است که شاه را پس بگیریم (که بالطبع طبق نظر ایشان پس از استرداد شاه دیگر حقی نداریم که بخاطر آن با امپریالیسم مبارزه کنیم. مبارزه ضد امپریالیستی موقوف میشود) ولی میماند حق امپریالیسم امریکا در این مصاف. " میتوان گفت که گروگان ها هم آزاد شوند " و بعد رهبران شمشیر را غلاف خواهند کرد. و آنگاه با آقای بنی صدر بعنوان سرپرست وزارت خارجه - چون دیگر بحق خود رسیده است - به پیروی از " اصل رابطه قوا "،

حقوق دیپلماتیک حکم میکند "، " برای بهیود روابط متقابل " با امریکا سفر خواهد کرد و با " سایروس وانس " به ایران، فرقی نمیکند. طرفین در مصاف قبلی به حق خود رسیده اند و هر دو در شرایطی مساوی؟! به پشت میز مذاکره برای توسعه روابط اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و ... خواهند رفت. آخر آقای بنی صدر بعنوان ناجی کشتی طوفان زده جامعه میدانند (و این را کس دیگر نتوانسته است دریابد) که مبارزه زحمتکشان جامعه علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم جهانی که منجر به سرنگونی رژیم پیشین شد، فقط برای " استرداد شاه " بود. و بحق بودن حمله ضد امپریالیستی جنبش مردم نیز بخاطر همین حق بود و بس. و ابتدا مسائلی بنام استثمار نیروی کار توسط سرمایه داران، غارت ثروتهای جامعه و اختناق حاکم بر سرنوشت مردم توسط امپریالیسم و کارگزار داخلی شاه در سامان مبارزه مردم محلی از اعراب نداشته اند.

اما از اینها جالبتر ابرازات آقای بنی صدر در جواب باین سؤال است که چرا با امریکا رسماً قطع رابطه نمیشود. ایشان پس از فحاشی به کسانی که چنین سؤالی میکنند می گویند رابطه عمداً قطع است ولی اگر آنرا رسماً قطع کنیم دست امریکا علیه ما باز میشود!! چنین آدم عوامفریبی که تصور میکند با ۳۵ میلیون گوسفند روبروست اساساً ضروری نمی بیند که توضیحاتی در مورد کشف محیرالعقول خود بدهد و حقوق بین المللی را در این باره روشن کند. و اما جواب اینکه چرا قراردادهای ایران و امریکا افشاء نمیشود سکوت است و سکوت. و نکته هم همینجاست که اگر قراردادهای افشاء شوند نه تنها دست امریکا بلکه دست خیلی از حضرات هم رو خواهد شد، و اینجا

بقیه در صفحه ۷

هفته نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت
کمونستی